

آسیب شناسی

سبک زندگی اسلامی ایرانی

دکتر محمدرضا حسینی نیا^۱

مسعود خوشنام وند^۲

زهرا خوشنام وند^۳

چکیده

سبک زندگی در علوم اجتماعی بیان کننده شیوه زندگی یک فرد یا جامعه است که از نظر ساختاری، مدل رفتاری دیگری را ارائه می دهد. این رفتارها که در بیشتر موارد تابعی از مولفه های معین، مقررات و مقیدات درونی هر فرد یا جامعه است نوعی از بودن را رقم می زند که متمایز از دیگر شیوه ها و تا حدودی زیادی متأثر از آموزه های دینی به خصوص دین اسلام است. با توجه به اینکه دین اسلام برای رشد و پرورش استعدادها، پنجره سعادت‌مندی و رستگاری را فرا روی انسان می گشاید و سبک زندگی را با توجه به مقدار عمل به فرامین رسیده از آن هویتی نو می بخشد و نیز با توجه به اینکه هر هویتی از گزند آسیب ها در امان نیست لازم است آسیب های این نوع زندگی بررسی شوند تا هویت مستقل سبک زندگی اسلامی ایرانی به خوبی روشن گردد. باید گفت مهمترین آسیب های وارده در این خصوص، عدم توجه کافی به هندسه معرفتی اسلام، باور به تعارض دین با علم و عقل و تجربه گرایی محض است که به نظر می رسد پیامدهای بی توجهی به آنها بسی مهمتر و آسیب رسانتر از عدم بکارگیری آنها در سبک زندگی یک فرد یا جامعه باشد، چرا که بین عمل نکردن و بد عمل کردن تفاوت بنیادی است. در این پژوهش ضمن شناخت آسیب های فوق، مدلی ارائه می شود تا در سایه عمل و توجه بدان علاوه بر وسعت فکر و اندیشه، نشاط و سرزندگی لازم به صورت پایدار و مشخص بر زندگی حاکم شود.

کلید واژه ها: سبک زندگی، آسیب شناسی، سبک اسلامی، سبک ایرانی، الگوها.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام.

۲. دانشجوی دوره دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام. Mohammadm.masoud@gmail.com

۳. دانشجوی ارشد تفسیر دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی کرمانشاه.

مقدمه

فعالیت های زندگی ما از افکار، رفتار و حوادثی تشکیل شده که پیوستگی و ارتباط عمیقی با یکدیگر دارند. بدیهی است که برای کسب موفقیت و کامیابی، بایستی ضمن شناسایی این ارتباط و پیوستگی اقدام به برنامه ریزی کنیم. بیش از هزاران سال است که علمای اسلامی سعی در تدوین، تقسیم بندی و اولویت بندی تعالیم و دستورات دینی، متناسب با نیاز روز جامعه خویش داشته و دارند. از طرفی، دانشمندان مسلمان معتقدند که دین، سیستمی یکپارچه با مجموعه ای از تعالیم همسو و به هم پیوسته است که طرح و برنامه ای برای تمام ابعاد زندگی انسان دارد و به تمام سوالات و نیازهای او پاسخ داده است. از سوی دیگر دانشمندان غربی نیز با هدف رشد و موفقیت انسان، طرح های کاربری فراوانی را بر مبنای علم و تجربه خویش ارائه داده اند. (طرحی برای زندگی، ص ۷) آنچه در این میان نقش سازنده ایفا می کند طرز تلقی آنها از سبک زندگی است که به شکل های مختلف بیان می شود. در هر حال باید گفت سبک زندگی^۱ به معنی عقل معاش^۲ که همان شیوه زیستن است از جمله مفاهیم علوم انسانی است که اخیراً و به ویژه در دهه اخیر مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مهندسان فرهنگی قرار گرفته است. (رک: سبک شناسی، ج ۱، مقدمه)^۳ این مسئله برای اولین بار و آن هم پس از ناکارآمدی مفهوم طبقه برای توصیف و تحلیل رفتارهای اجتماعی، توسط جامعه شناسان برجسته غرب به کار گرفته شد، چرا که افراد طبقات مختلف، رفتار و شیوه های متفاوتی از تعریف آن طبقه را ابراز می داشتند که عملاً، مفهوم طبقه را در علوم اجتماعی به چالش می کشید.

با این وجود و با توجه به ضرورت احساس شده از سوی مجامع علمی، تحقیقات و بررسی های متنوعی پیرامون سبک زندگی از زوایای مختلف صورت گرفت تا شاید، با ایجاد شیوه ای ثابت و متعادل، واکنش های قابل پیش بینی و مطلوبی، در برابر موقعیت های ایجاد شده مورد انتظار باشد. نکته شایان ذکر اینکه، این تحقیقات هنوز مفهوم درست و دقیقی از سبک زندگی را ارائه نداده اند و مثلاً معلوم نیست مواجهه آنان با سبک زندگی از چه ویژگی و مشخصه ای برخوردار است تا به پیروی از آن مشخصه، رویکرد های متفاوتی در فرآیند پژوهش تحقق یابد. به عنوان مثال جایی که شریعت ملاک بررسی است یقیناً سبک زندگی، تابعی از دین خواهد بود و زمانی که ملیت معیار قرار گیرد احتمالاً رویکرد قومی - نژادی مطرح باشد. به این خاطر لازم است ابتدا جهت گیری و گرایش تحقیقی به روشنی مشخص شود تا یافته های علمی از قابلیت ارزیابی و اجرایی لازم برای گونه های زیستی متفاوت، برخوردار باشد.

^۱ life style

^۲ یعنی عقلی که به انسان می گوید چگونه و چطور زندگی کند. رک: مجموعه روایات.

^۳ در عرف ادبیات نوع از سبک متفاوت است طوریکه مثلاً نوع، عبارت است از شکل ادبی گوینده مانند: درام و طنز اما در سبک از سبجه عمومی نویسنده از لحاظ موضوع و انعکاسات محیط در آن بحث می شود به عبارت دیگر سبک هم فکر و هم جنبه ممتاز آن و هم طرز تغییر را در نظر می گیرد در صورتیکه نوع فقط طرز انشاء را بیان می کند. رک: سبک شناسی، ج ۱، مقدمه.

به هر روی سبک زندگی اگر چه به معنای در هم تنیدگی، نظام وارگی و شبکه ای بودن عوامل بسیاری است که در گونه های زیستی انسان تأثیر می گذارند اما باید گفت این اصطلاح روش های متفاوت زندگی بشر، نظیر؛ تفاوت بین زندگی شهری و روستایی شیوه های زندگی کشف شده در میان گروه های متفاوت جامعه چون؛ اسلامی، اشرافی، غربی، ایرانی و... را در طول تاریخ به تصویر می کشد. لازم به ذکر است که امروزه اصطلاح سبک زندگی به معنای دیگری از جمله طرز زندگی نیز مفهوم سازی شده است و معمولاً از طریق ارزش ها و روش های مصرف، شناخته می شود که خود ناشی از تمایز فزاینده جوامع سرمایه داری پیشرفته است.

البته سبک زندگی همچون بسیاری دیگر از مفاهیم علوم اجتماعی از تعریف یکسانی برخوردار نیست تا جایی که میثائل سوبل که شاید مفصل ترین متن را درباره تعریف سبک زندگی نوشته، معتقد است تقریباً هیچ توافق تجربی یا مفهومی درباره این که چه چیز سازنده سبک زندگی است، وجود ندارد. (Sobel, Michael, 2002)

(Lifestyle and social structure: concepts, definition, and analysis, p:2)

به هر حال در بیشتر تعریف های سبک زندگی دو مفهوم نهفته است که هر دو مفهوم هم، به واژه سبک باز می گردند: اول، مفهوم یکپارچگی و دوم، مفهوم تفاوتها. یکپارچگی به این معنی که سبک زندگی دربردارنده مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام مند، با هم ارتباط داشته و یک شاکله کلی فرهنگی- اجتماعی را پدید می آورند که به وسیله آن شخص یا جامعه از هم نوع خود متمایز می شود همین پیوستگی، اتحاد و نظام مندی، این کل را از مجموعه کل های دیگر متمایز می کند و به همین دلیل است که امروزه از دو مدل متفاوت با الگوهای متمایز سبک زندگی با عناوین اسلامی و غربی سخن می گوئیم. به عبارت دیگر سبک زندگی ناظر به همه مسائلی است که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می دهد. (سبک زندگی، ص ۱۷) مفهوم تفاوت نیز به معنی هویت بخشی به سبک زندگی و تحول در ساختار و محتوای آن است با این تفاوت که علاوه بر هویت، مناسبات و رفتارهای عینی و واقعی زندگی را نیز شامل می شود. (رک: حرکت و تحول از دیدگاه قرآن، ص ۲۵).

مفهوم شناسی سبک زندگی

سبک یا سیره در لغت به معناهای مختلفی از جمله؛ رفتار، راه و رسم، سلوک، حالت و روش بیان شده است. (العین، ج ۵، ص ۳۱۱ و معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۲۲۶).

سبک زندگی، معرفت حاکم بر سه ضلع مثلث خدا، انسان و هستی برای مشق زندگی مومنانه مبتنی بر الگوهای اسلام و انسان است. (رک: سیره نبوی، ص ۳۱-۴۶ و نقدی بر مارکسیسم، ص ۲۰۸) این اصطلاح در رشته مطالعات فرهنگی، به مجموعه رفتارها، مدلها و الگوهای کنشی هر فرد اطلاق می شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش ها و واکنش های فرد و جامعه می باشد. اما سبک زندگی اسلامی، ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش های اشخاص

در عرصه های وسیعی چون خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را به طور همزمان در بر دارد که بطور طبیعی منجر به ایجاد نوعی متفاوت از زیستن خواهد بود.

در واقع با به کارگیری مفهوم سبک زندگی و ژرف اندیشی درباره مفهوم آن می توان از هنجارهای پنهان که در باورها، اذهان و رفتارهای مردم یک جامعه نهفته است، سردر آورد و از جهت گیری ها و الگوهای موجود یا در حال شکل گیری آتی جامعه، به نحو واقع بینانه ای تفسیری مشخص ارائه داد. این مهم زمانی نمود بیشتری می یابد که سبک زندگی، متأثر از آموزه های دینی، و به خصوص دین اسلام باشد چرا که از یک طرف ادعای اکملیت^۱ یعنی تفوق، و به قول کندی اولین فیلسوف مسلمان؛ گزینش آموزه های وحیانی به عنوان متقن ترین عنصر معرفتی از میان سه عنصر معرفت شناسی حس، عقل و وحی بر ادیان دیگر پیش روست.^۲ (رک: قرآن در اسلام، ص ۸۳ و سویه های پلورالیسم، ص ۴۹) و از سوی دیگر سبک های پیشرفته دیگری که هرگز اسلامی نبوده و نیستند. (رک: سیری در سیره ائمه اطهارع، ص ۹۳) البته این نوع تحلیل لزوماً به معنای درک حقیقی همه سبک های زندگی نیست ولی اجمالاً می توان به تضاد بین اکملیت اسلام و پیشرفت دیگر سبک ها که یقیناً مواجهه درستی با اسلام نداشته اند، دست یافت.

به نظر می رسد سبک زندگی بیشترین تاثیر پذیری را از آموزه های تعیین کننده دینی در درازنای تاریخ داشته است و شاید به این خاطر است که ویل دورانت معتقد است رنسانس و اصلاح دینی دو سرچشمه تاریخ معاصرند که متقابلاً زندگی فکری و اخلاقی امروز ما را آبیاری کرده اند. (تاریخ تمدن، ج ۶، ص ۱۱۱۶) چرا که حیات دینی و فکری به نوبه خود، حیات اجتماعی را تحت تاثیر قرار می دهد و در واقع نوعی از زیستن را تصویر می کند که تمایز زیادی با گونه های دیگر زندگی دارد تمایزاتی از قبیل هدایت و ضلالت، سعادت و شقاوت و دیگر موارد از این قبیل، که هم ضرورت توجه به مباحث تئوریک دینی را یادآور می شود (حکومت دینی، ص ۱۸۰) و هم انسان را به گزینش حیاتی با ارزش تشویق می کند. اهمیت و ضرورت آسیب شناسی چنین مولفه هایی، که دامن گیر ارزشها می شود نه تنها موجب کاهش حیرت و سردرگمی در پاسخ به موقعیت ها می شود که در رشد و توسعه پایدار و جهت گیری هر شخصی در چشم انداز زندگیش موثر خواهد بود. یکی از این مولفه های تاثیر گذار بر حیات اجتماعی بشر، دین اسلام است که زندگی را به شکلی دیگر سامان بخشیده، ضمن تفاوت بین قیمت و ارزش برای تمام ابعاد آن قوانین و مقرراتی وضع نموده است. لذا با این اوصاف لازم است؛ اولاً: میزان تاثیر گذاری دین اسلام بر سبک زندگی بررسی شود تا اشتراکات و افتراقات آن با دیگر سبک ها زندگی به خوبی نمایان شود. ثانیاً: به این سوال روشن پاسخ داده شود که آیا ممکن است سبک زندگی یک مسلمان بیانگر تمام خواسته ها و تعاملات اجتماعی او باشد تا در سایه عمل به آنها دچار تحول اساسی شود.

۱. در این خصوص بنگرید به: سید محمد علی ایازی، قرآن اثری جاویدان، ص ۱۹.

۲. به نقل از نظریه شناخت، ص ۱۴.

آسیب شناسی سبک زندگی ایرانی اسلامی

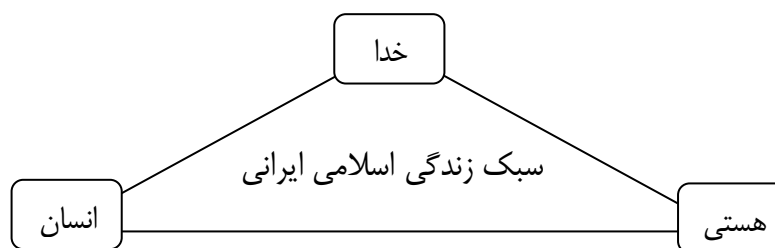
زندگی و حیات گوهر ارزشمندی است که در درازنای انسان تاریخمند ماهیت های گوناگونی را تجربه نموده است. (رک: مبانی فلسفه دین، ص ۱۸۲) به این دلیل هیچ فرد یا جامعه ای نیست که از سبک زندگی مشخصی برخوردار نباشد هر چند خود بدان واقف نباشد! سبک زندگی ایرانی با پیشینه دیرینه خود که بعدها تحت تاثیر آموزه های اسلامی قرار می گیرد نه تنها در این مواجهه مقاومت و سرسختی به خرج نمی دهد که با تکبه بر عقل خود بنیاد، شکل دیگری از زندگی را برای رسیدن به همه آنچه در رویاهایش می دید با دل و جان می پذیرد. امروزه با گذشت زمان و فرو نشستن گرد و غبار تجدد بر نوع زندگی چنان پنداشته می شود که بین سبک زندگی اسلام و ایران تضاد برقرار است به این دلیل زندگی های امروزی نه کاملاً تابع داشته های دین اند تا هر گونه نتیجه و پیامد آن متوجه دین باشد و نه پیرو ملت اند، تا بسان دیگر جوامع غیر دینی عملکردهای آنان از هویت دینی برخوردار نباشد. (رک: نگرشی بر تئوری ارزش، ص ۱۷۵).

از آنجا که میزان وفاداری به یک سبک عامل اساسی در تعیین هویت آن سبک محسوب می شود. سبک زندگی اسلامی با توجه به همه ابعاد زندگی و البته بدون تنش و تحقیر داشته های ملی تاثیر زیادی بر زندگی جوامع اسلامی و حتی غیر مسلمان داشته است. (مدینه اسلامی، ص ۳۰۶) تا جایکه مسائلی از قبیل معماری، نحوه تجارت بردگان و شیوه رفتار با آنها، طراحی تاسیسات، گروه بندی اصناف به منظور دسترسی مشتری به کالا بدون پیمودن تمام خیابانهای بازار، رفتن به نماز و شرکت در مراودات اجتماعی همگی منجر به تولد نوعی از سبک زندگی شده اند که اگرچه اشتراکات زیادی با مقررات غیر اسلامی دارد اما از هویت مستقل نیز برخوردار است. بنابراین ضروری است آسیب های ناشی از این فرآیند به دقت بررسی شوند تا علل وقوع برخی شبهات از جمله سبک بی هویت نمایان شود.

مهمترین آسیب های سبک زندگی اسلامی ایرانی

۱. غفلت از هندسه معرفتی اسلام

انسان در زندگی خود هرگز هدفی جز سعادت و خوشبختی نداشته و ندارد پس همه فعالیت زندگی او پیوسته به سعادت و پیروزی در این راه معطوف می باشد. این هدف در جامعه مذهبی زیر سایه احکام الهی، در جوامع غیر مذهبی مدرن تحت لوای قانون و در مجامع غیر مذهبی متوحش به زور و استبداد فرد یا گروهی خاص تحقق می یابد پس در هر حال انسان در فعالیت های فردی و اجتماعی خود از داشتن هدف گریزی ندارد. (قرآن در اسلام، ص ۴)



(هندسه معرفتی اسلام)

لذا بهترین و پابرجا ترین راه و رسم زندگی آن است که آفرینش انسان به سوی آن هدف هدایت کند نه آنچه از عواطف و احساسات فرد یا جامعه سرچشمه گیرد آیات فراوانی از قرآن کریم از جمله: رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى^۱، الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى، وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى^۲، وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيْنَاهَا فَأَلْهَمْنَاهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهُ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهُ^۳ و فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكِ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَا كُنْ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۴ و آیات دیگر به این مضمون همگی سبکی از زندگی را معرفی می کنند تا هر یک از آفریده ها و از جمله انسان را به سوی سعادت و هدف آفرینش ویژه خودش راهنمایی کند. (رک: همان، ص ۸-۱۱).

در عرف قرآن، دین به معنای راه و رسم زندگی اطلاق می شود و مومن و کافر و حتی کسانی که اصلاً صانع را منکرند بدون دین نیستند زیرا زندگی انسان، بدون داشتن راه و رسمی خواه از ناحیه نبوت و وحی باشد یا از راه وضع و قرارداد بشری اصلاً صورت نمی گیرد. (همان) در واقع درک و توجه به پروردگار و به یاد منعم حقیقی بودن، بهترین الگو برای روح و ریشه سجایای پسندیده و افعال صالحه است. شاید یکی از دلایلی که پیشوایان ما ولایت را ستون بنای اسلام دانسته اند همین باشد که زیرا وقتی شخصی ولایت را فهمید گفته های او را ملاک پذیرش الگو و اسوه می داند (رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۴۹-۵۱؛ پیام قرآن، ج ۳، ص ۵۴ و بدایه الحکمه، ص ۱۵۹) و برای این مهم رفتار و سبک زندگی خود را طبق این مبانی تنظیم می کند. (الگوی مصرف، ص ۱۱).

اصولاً انسان بر حسب فطرت خود هیچگاه نمی تواند نور تابان خدا را از صحنه قلب خود محو نماید. غفلت از پروردگار و عدم توجه به نعمتهای او پست ترین حالات انسانی است که ریشه کفر و گناهان، و سبب محرومیت از همه گونه فضائل و بالاترین ناسپاسی ها است زیرا بر خلاف فطرت، انسان نعمتهای الهی را به هیچ شمرده و کفران نموده است. (انوار درخشان، ج ۲، ص ۳۲) آیه «نَسُوا اللَّهَ فَنَسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»^۵ این حقیقت را به خوبی بیان

۱. طه / ۵۰.

۲. اعلی / ۳ و ۴.

۳. شمس / ۷-۱۰.

۴. روم / ۳۰.

۵. حشر / ۲۰.

نموده است که اگر گروهی از یاد خدا غفلت ورزند پروردگار آنان را به خودشان وا می گذارد بطوریکه غرض و هدف از زندگی و آفرینش خود را نیز بکلی فراموش کنند. آیه کریمه جامعه اسلامی را به نعمت دیگری متوجه نموده، که زمینه نیل آنان به سعادت مهیا گردد. در حقیقت این نعمتهای عمومی مانند تشریع دین اسلام، بعثت رسول اکرم ^ص... هنگامی نعمت شمرده میشوند که در اثر تذکر و پذیرش، و ایمان به آفریدگار و سپاس از نعمتها، افراد خود را شایسته نمایند که بدینوسیله بسوی سعادت رهسپار گردند و در حقیقت ذکر و توجه به آفریدگار و به نعمتهای بی شمار او شرط قابلیت افراد است برای نیل به سعادت. (همان)

به بیان بهتر اعراض از یاد خدا، همانا اعراض از حقیقت است چرا که قانون ثابتی وجود دارد که می گوید: وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا^۱ زیرا انسان بدون راهنمایی خداوند نمی داند چگونه از زندگی بهره مند گردد از این رو در زندگی دنیوی نیز تیره بخت خواهد بود هر چند هم از مال و ثروت دنیا بهره مند باشد. (تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۲۰۲).

در مجموع اساس هندسه معرفتی اسلام مبتنی بر اعتقاد راسخ به سه اصل توحید، نبوت و معاد، و نوعی عقائد متفرع بر آنها مانند لوح و قلم، قضا و قدر، عرش و کرسی و خلقت آسمانها و زمین و نظائر آنها در کنار اخلاق پسندیده و احکام شرعیه و قوانین عملی می باشد که از حقایق ثابتة اخذ شده و محدود به وقت و زمان معین نخواهند بود^۲ و لذا پاسخ این آیه همچنان به صورت استفهام باقی خواهد ماند که فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ؟!^۳ البته بدون شک انسانهایی که غرق در مادیات شده و آرزوهای بلند خویش را به تمایلات نفسانی فرو کاسته اند به خوبی می دانند که در مسیری گام نهاده اند که هرگز مراد فطرت پاک نجیب انسانی نیست چنین افرادی تابع مسیرند و ناخواسته به سبکی پایبندند که جامه اش شولای عریانی و باغش باغ بی برگی است این افراد تنها زمانی به خود می آیند که فرصتی برای تغییر سبک زندگی در اختیار نداشته و با فرآیند افول عمر و غم هجران در سنین کهن سالی دچار پشیمانی و حسرت می شوند چرا که فطرت انسانی خود می داند که لحظه یکی شدن با حقیقت بسیار نزدیک است.

۲. تجربه گرایی

در سده نوزدهم میلادی که غرب به پیشرفتهای علمی و صنعتی نایل شد، کشورهای اسلامی رفته رفته به عقب ماندگی و جهل خود پی بردند. روشنفکران و مصلحان اجتماعی آنان دریافتند که نه تنها از پیشرفتهای علمی غرب بازمانده اند، که وضع دینی آنها هم نابسامان و عقب مانده است و پاسخ گوی نیازهای روز- و به اصطلاح فقهی مسائل مستحدثه- نیست. تحلیل این بخش نیازمند توجه تام به تاریخ تاریک غرب، جنگ های صلیبی،

^۱. طه / ۱۲۴. یعنی زندگیش سخت می شود!

^۲. وَالْحَقُّ أَنزَلْنَاهُ بِالْحَقِّ نَزْلًا، اسراء / ۱۰۵.

^۳. یونس / ۳۲.

خلاء اصول معین اجتماعی، اکتشافات جدید، رنسانس (تاریخ فلسفه غرب، ج ۲، ص ۱۵۲) عصر بیداری و بالاخره انقلاب علمی می باشد که نه تنها باعث تاثیر گذاری وسیع و عینی بر ملل گوناگون دیگر شد بلکه با واکنش های انفعالی از سوی این ملت ها نیز روبرو شد. این اندیشه با رویکردی کاملاً تجربی و حسی با چنان هراسی از مفاهیم گذشته دینی خود دور می شد که تا مدت ها کامیابی و کامروایی های طبیعی خود را حاصل این تفکر می دانست. (فلسفه روشنگری، ص ۳۱۰).

پیشرفت های صرفاً تجربی آنان با چنان سرعتی در حال گسترش و توسعه هستند که چشم هر رهگذر فرو مانده در راه را به خود خیره می کنند این دستاوردها علی رغم مهم و حیاتی بودن چنانچه به صورت سطحی و بدون سبک خاص مورد استفاده قرار گیرند آثار و نتایج نامطلوبی از جمله؛ شیفتگی، افسردگی، تنهایی و . . . را به دنبال خواهند داشت. منفعل شدن در برابر چنین جهش های جذاب و گیرا دل مشغولی های بیش از توان را برای فرد یا جامعه به وجود می آورد و در نهایت سردرگمی و ناپایداری را در برخوردهای اجتماعی سبب می شود. عدم مواجهه مناسب و پیروی نامعقول از پیشرفت های نو شونده، کم کم آهنگ ستیز و رویارویی با دین را در افراد و جوامع پرورش می دهد. (رک: علم و دین، ص ۷۵-۷۸) و با نمایی بسیار زیبا و فریبنده مانع از تفکر و تعمق در مسائلی الهی می شود که هرگز به آسانی آنها قابل دستیابی نیست چرا که ممکن است این مسائل ماورایی برای ما به اندازه کافی حس برانگیز نباشد و البته این به خاطر آن است که درک و فهم معارف عالیه الهی نیاز به توانایی و قابلیت هایی دارد که احتمالاً در وجود بیشتر ما پرورش پیدا نکرده باشد. (طرحی برای زندگی، ص ۶۷).

در تحلیل این بخش به عنوان آسیب سبک زندگی باید گفت سبک زندگی اسلامی ایرانی در مواجهه با این پیشرفت ها، از سیل انتقادات بنیانکن دور نماند و ناجوانمردانه انواع ناکامی ها و عقب افتادگی ها را متوجه خود دید در حالیکه هرگز تلازمی بین این نوع زندگی و عقب افتادگی جوامع مسلمان وجود نداشت.

۳. باور به تعارض عقل و علم با دین

زیر بنای مجادلات گوناگون درباره تعارض آموزه های دینی با نظریه های علمی عبارت است از بحث مقدماتی روش شناختی از تعیین آنکه چگونه چنین آموزه ها و نظریه هایی می تواند و باید با هم مرتبط باشند. پاسخ های مختلفی برای این سوال ارایه شده است و ما از بین آنها به پاسخی می پردازیم که بر آن است گزاره های علمی و دینی درباره جهان به میزان قابل توجهی مستقیماً قابل مقایسه با یکدیگرند، چرا که به منطق مشترکی تعلق دارند. (مبانی فلسفه دین، ص ۲۲۳) این پاسخ با ملاحظه ارتباط گزاره های علمی و دینی بر آن است که این گزاره ها حقایق مشترکی را درباره جهان، اما به دو بیان مختلف اظهار می کنند. بنابراین، تفاوت های این دو صرفاً تفاوت هایی سطحی است که اگر به درستی تحلیل شوند با یکدیگر موافق اند. (همان) اما دیدگاه مهم دیگر این

است که به عنوان یک اصل روش شناختی جایگاه الهیات را به مثابه ملکه علوم^۱ جدی شمارد. این جایگاه، آنطور که در گذشته به غلط پنداشته می شد، به معنای برخورداری الهیات از منابع ممتاز شناخت که به آن اجازه دهد بر تمام راههای دیگر شناخت فرمانروایی کند، نیست، بلکه معنای آن این است که الهیات، از آنجاکه با خدا در ارتباط است، تعهد دارد که در یابد چگونه تمامی شناخت های معتبر درباره طبیعت اشیا دست به دست یکدیگر می دهند تا داستان موزون واحدی را که پیوند دهنده خالق و مخلوق به یکدیگر است، پدید آورند. به عبارت دیگر، باید الهیات را دانشی دانست که درگیر انجام وظیفه دستیابی به یک شناخت همه جانبه است. در نتیجه، اکتشافات علمی را باید بخشی از اطلاعات مورد استفاده الهیات به شمار آورد که باید آن را نقادانه بررسی کند و سپس در صدد برآید که این اطلاعات را به همراه سایر داده های مآخوذ از منابع شناخت دینی، که به نحو شایعتری پذیرفته شده اند، درون آن شناخت همه جانبه جای دهد. (همان، ص ۲۳۱).

باید گفت اعتقاد به این تعارض ساختگی خسارات بیشماری را بر پیکره ملل و نحل وارده ساخته، و آنان را از درک درست محیط پیرامون خود ناتوان کرده است. چرا که این تعارض اولاً صد در صد مسلم پنداشته می شد و ثانیاً هر گونه پیشرفت و ترقی را مخالف آموزه های دینی به حساب می آورد، نتیجه آنکه برای دسترسی به رشد و توسعه راهی جز دست کشیدن از داشته های دینی نبود که به حکم عقل تجربی مخالف علم بود! آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت بیشترین تاثیرات را در تخریب سبک زندگی اسلامی ایرانی داشته است اگر چه قطعاً آسیب های دیگری نیز وجود دارند که سهمی از این آسیب ها را بر عهده داشته باشند.

راهکارهای سبک زندگی اسلامی ایرانی

بدون شک هیچ فرد یا جامعه ای نیست که از سبک زندگی برخوردار نباشد آنچه مهم است این است که تا چه میزان به اصول و قواعد آن سبک وفادار می مانیم و در تعاملات زندگی چگونه با داشته های آن سبک به موقعیت ها پاسخ می دهیم به بیان دیگر تا چه اندازه از اصول و فرامین سبک زندگی اسلامی ایرانی بهره گیری می کنیم. آنچه در ادامه بیان می شود ارائه راهکارها و برقراری راههای مورد اعتماد و سازنده است برای تلفیق درست از سبک زندگی اسلامی ایرانی.

۱. اعتدال در زندگی

اعتدال و میانه روی این اهلّیت را به امت اسلامی می بخشد تا بتواند برای همه بشریت الگو بشود، و جایگاه استادی و معلّمی جهانیان را به او بسپارند. در همین ارتباط این آیه شریفه نازل گردیده است: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ

^۱ . queen of the sciences.

أُمَّةٌ وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا.^۱ بدین صورت شما را امتی میانه و اهل اعتدال قرار دادیم، تا برای مردم الگو و سرمشق شوید و پیامبر نیز برای شما اسوه و سرمشق باشد.

این اعتدال و «وسط» بودن، اعتدالی کامل و همه جانبه است. اعتدال در عرصه اعتقادات و افکار، تصوّر، اعتدال در شعائر و عبادات، و اعتدال در اخلاق و سلوک، و اعتدال در نظام‌های اجتماعی و قانونگذاری، و اعتدال در اندیشه‌ها و احساسات و عواطف. اعتدالی است بین مادیّت و معنویّت، آرمانگرایی و واقعیت، احساسات‌گرایی و عقلانیّت، جامعه‌گرایی و فردگرایی و ثبات و تغییر. (قرآن منشور زندگی، ص ۱۸۹).

ریشه و فواید اعتدال در زندگی هم ریشه در اعتقادات بومی دارد و هم دینی، و اصولاً بین این دو هیچ گونه تفاوتی وجود ندارد در خصوص رعایت اعتدال ابو زید بلخی مثالی می زند که شنیدنی است او می گوید پیداست که جز طلا هیچ جواهری نیست که زمان‌های دراز بماند و خراب نشود تا جایی که عامّه مردم بر این باورند که طلا گوهری بی آسیب است. طلا به واسطه اعتدال مزاجی که میان حرارت، رطوبت و یبوست دارد از چنین جاودانگی ویژه‌ای و از این خصوصیت که آفت دیگرگونی و استحاله دامنگیرش نشود برخوردار شده است؛ زیرا هر چه از حد اعتدال بیرون رود فساد و خرابی زود به سراغش آید؛ چه، صورت هستی به اعتدال مزاج‌ها برپا شده و فساد هم که ضد هستی است در خروج از اعتدال ریشه دارد. (اقتباس از قرآن کریم، ص ۴۲۴).

به همین جهت دین مبین اسلام، به موازات امر به داشتن اعتقاد به اصول و عمل به فروع دین، به پیروانش دستور داده، که به خواست احساسهای لذایذ فطری و جسمی و مانند لذت مالکیت و مقامها و لذت مشاهده زیبایی‌ها و شنیدن نواها و تمتع از غذاها و پوشاکها و مسکن‌ها و عقد ازدواجها و تشکیل کانون‌های خانوادگی و غیره پاسخ مثبت بدهند اما بشرط اینکه در چهارچوب مشروعیت و اعتدال و دور از اسراف و افراط و زیانهای اخلاقی باشند و قرآن در این زمینه‌ها فرموده است: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ، وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.^۲

در واقع مهمترین کارکرد اعتدال تثبیت قدرت ذهن و جسم در برابر موقعیت‌ها است به این معنی که انسان معتدل بدون سردرگمی کم کم می آموزد راه رسیدن به مقصود از جاده اعتدال می گذرد. آری قرآن به عدل و اعتدال دستور داده، و تعالیم و قوانین خود را بر اساس میانه‌روی نهاده است و برای همین، خداوند کراراً از بخل و حرص شدید به مال نهی فرموده و مفسد و زیان‌های بخل و عواقب بد آن را کاملاً روشن ساخته است. از آنجا که قرآن، تعالیم خود را بر اساس اعتدال و میانه‌روی نهاده، و مردم را به عدل و دادگری و دوری از هر نوع افراط و تفریط دستور داده است، توانسته است با قوانین خود، جنبه‌های مادی و معنوی زندگی بشر را تأمین نماید و صلاح و رستگاری بشر را در این سرا، و سعادت و نیک فرجامی او را در سرای دیگر، تضمین کند.

۱. بقره / ۱۴۳.

۲. اعراف / ۳۱.

بنابراین قرآن همان قانون اساسی پر اهمیتی است که پیامبر بزرگوار، برای این که بشر را در دو جهان سعادت‌مند سازد، آورده است. قرآن بر خلاف تورات، بشر را از زاویه مادیات مورد بررسی قرار نمی‌دهد، بلکه گذشته از این که به دنیای او توجه می‌کند، نظر او را به سرای دیگر نیز معطوف می‌دارد و از این راه اعتدال و میانه‌روی در رهبری بشر را آشکار می‌سازد. (مرزهای اعجاز، ص ۱۰۲)

۲. اعتماد به تحول آفرینی گزاره های دینی

اساس تحوّل خصلت‌های زشت در انسان نه مبتنی بر حذف آن، بلکه بر تبدیل آن استوار است، ترکیب بینش الهی (نسبت به انسان، خدا و قیامت) با خصلت‌های زشت، آنها را تبدیل به صفات ارزشمند می‌نماید؛ بخیلی که یقین به جبران مضاعف انفاق در راه خدا، پیدا کند با سخاوت از مال و منالش خواهد گذشت و آنکه به این معرفت رسد که بخل از دیگران، در حقیقت بخل از جان خویش می‌باشد در انفاق از دیگران پیشی خواهد گرفت: «وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَحْمِلْ عَنْ نَفْسِهِ...»^۱

با توجه به پیشرفتهای علمی و صنعتی غرب در سده نوزدهم میلادی، کشورهای اسلامی رفته رفته به عقب ماندگی و جهل خود پی بردند. بدین جهت در قرن چهاردهم نهضت‌های اصلاح‌طلبانه به شکلهای مختلف در کشورهای اسلامی سر برآورد. خصوصیت اصلی نهضت‌های بیداری در این بوده است که اسلام را نه یک عقیده مهجور و ایمان قلبی، بلکه یک نظام کامل عیار دینی و دنیوی و اخلاقی و سیاسی و عبادی و اجتماعی می‌دیده‌اند. یعنی یک فرهنگ بالنده نه یک دین راکد که در حاشیه اجتماع به راه خود برود. این فرزندگان مصلح متوجه شدند دین را که توانمندترین کانون تحول و ترقی و اعتلای علمی و اخلاقی دیرنشان بود (آشنایی با علوم قرآن، ص ۱۴۳) در یک سخن، نیروی تحول‌آفرینی است که چهره عالم را دگرگون کرد، مرزهای کشورها را تغییر داد، مسیر حرکت تاریخ را دگرگون ساخت؛ و انسان حیرت‌زده را رهایی بخشید، تو گویی که جهان، آفرینشی نو یافت. باید گفت تنها تفاوت گزاره های اسلام با ایران در تحول آفرینی آن است چرا که آیین ملی معمولاً و در خوشبینانه ترین حالت از قراردادهای انسانی است که یا جنبه سرگرمی دارند و یا شادی آفرین اند که در هر دو حالت تحول آفرین نیستند اما گزاره های اسلام برگرفته از وحی الهی و بدون شک تحول آفرین اند. گزاره های چون نماز، روزه، حج، زکات، خمس، صله ارحام، حسن خلق و صدها موارد دیگر که هر کدام به تنهایی می‌تواند در تحول انسانی مفید باشند.

قطعاً از این زاویه نیز مسأله تحریم شراب و برخورد چهار مرحله‌ای با آن یعنی روش تربیتی قرآن در این زمینه و تغییر و تحول عجیبی که در جامعه ایجاد کرد می‌تواند یکی از تأثیرات اعجاز‌آمیز قرآن باشد. یعنی از منظر علوم تربیتی این روش مؤثر چهار مرحله‌ای در برخورد با پدیده‌ای انحرافی در جامعه می‌تواند الگوی مناسبی برای ایجاد تغییر و تحول مناسب و مبارزه با مفاسد اجتماعی حاد باشد.

۱. محمد / ۳۸.

۳. انتخاب هدف نهایی

هدف نهایی بیانگر تذکر نشانه‌های الهی و به کار انداختن اندیشه انسان است هدف نهایی و مقصود اصلی اسلام همانا رسیدن انسان به مقام قرب الهی و داخل شدن او در رحمت و فضل خداست و بقیه اهداف همه مقدمه برای رسیدن به این هدف عالی و بزرگ هستند؛ زیرا تا مراحل قبلی طی نشود به مرحله عالی نمی‌توان رسید، لذا می‌توان در یک جمع بندی به انواع اهداف اسلام پی برد، گرچه این اهداف همه مقدمه برای رسیدن به آن هدف عالی و بزرگ هستند که همانا سعادت ابدی انسان است یعنی مقام قرب و داخل شدن در فضل و رحمت خداوند. بنابراین اهداف ابتدایی و متوسط، ارزش خود را از هدف نهایی کسب کرده و به اندازه‌ای که ما را به هدف نهایی برسانند، ارزش دارند؛ مثلاً ارزش برپایی جامعه عادلانه، به نزدیک‌تر کردن انسان‌ها به خدا وابسته است. (قرآن‌شناسی، ج ۲، ص ۴۴).

در مجموع فرد یا جامعه ایرانی با اعتقاد به یگانگی خداوند، به ارزشهای انسانی، اسلامی می‌نگرد و با اخلاص و ایمان به رستاخیز آنچه‌ان در عرصه زندگی تلاش می‌کند که گویی در دنیا جاویدان خواهد ماند از سویی دیگر با تسلیم شدن در برابر اوامر الهی چنان ابعاد معنوی خود را تقویت می‌کند که گویی فردا می‌میرد.

نتیجه گیری

بدون هیچ تردیدی اسلام در پی آن است که ویژگی امت اسلامی را رقم زند، ویژگی وسط بودن از آن امت اسلامی است، امتی بدور از افراط و تفریط و در مسیر اعتدال، معتدل به لحاظ عقیده، عمل و نگرش به ارزش‌های مادی و معنوی، به دور از جمود فکری و خمود عملی، امتی بدین سان استوار و معتدل، شایسته است که الگو باشد انسان مسلمان به لحاظ درک درست از حقیقت و هستی در کنار مبانی فکری و فلسفی به شکلی دیگر در صحنه‌های زندگی ظاهر می‌شود این انسان اگر چه کاملاً ایده آل نیست تا دستمایه انتقادات برخی مبنی بر ذهن گرایی قرار گیرد اما با ترسیم سبک زندگی اسلامی شرایطی را فراهم می‌آورد تا هم به وقت گشایش و فراخی‌های زندگی بسیار شادمان نشود و هم در مصائب و تلخی‌ها در غم و اندوه فرو نرود اینچنین انسانی با استفاده از هوش دینی خود و با مبنا قرار دادن آموزه‌های اسلامی، داشته‌های ملی خود را محک می‌زند تا در راه کوتاه زندگی بهترین توشه‌ها را بگیرد. سبک زندگی اسلامی علاوه بر هویت مستقل، کارآمد و فراملی، با تعامل سازنده و استقبال از مجموعه دستورات ملی هر کشوری رابطه حسنه دارد. بطوریکه به نظر می‌رسد هر چه میزان پایبندی فرد یا جامعه به سبک زندگی اسلامی بیشتر و قویتر باشد در واقع به سبک زندگی انسانی نزدیکتر شده است که مورد انتخاب فطرت پاک هر انسانی است. شناخت دقیق آسیب‌ها و نحوه مواجهه با آنها در کنار باور به گزاره‌های دینی، سبکی از زندگی را رقم می‌زند که نه تنها تنشی با سبک زندگی انسان به ما هو انسان ندارد که در بیشتر موارد اشتراکات زیادی با آن هم دارد. آنچه مهم است اینکه اگر قرار است معتقد به نظام اسلامی باشیم بایستی با شجاعت لازم و اعتقاد راسخ مانند معصومین^ع به دستورات او

عمل کنیم و به یقین مفاهیمی چون توکل، برکت، ایمان و اراده در سایه چنین اعتقادی معنا می یابند. چرا که انتساب هر صفتی به چیزی، وقتی بیانگر خصوصیت آن است که آن صفت واقعاً از آن او باشد و لذا نمی توانیم مفاهیمی را به نام اسلام منتسب به کسانی نماییم که فاقد آن ویژگی اسلامی باشند به عنوان مثال نوعی از اقتصاد وقتی می تواند کاملاً منتسب به اسلام باشد که عاملان آن با موازین اسلامی تربیت شده باشند هر چند در پاره ای موارد اینگونه نباشد از طرفی هر نوع سستی یا به تعبیری بد عمل کردن به تعالیم اسلامی عواقب وخیمی چون بی هویتی، سردرگمی و حیران در زندگی را به ارمغان می آورد که هرگز خوشایند انسان نیست.

منابع

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق و ضبط عبدالسلام هارون، قم، دار الکتب العلمیه.
۲. ایازی، محمد علی، قرآن اثری جاویدان، رشت، کتاب مبین، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۳. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه: بهالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۴. بهار، محمد تقی (ملک الشعرا)، سبک شناسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۶۹.
۵. پور امینی، محمد باقر، سبک زندگی، مشهد، انتشارات قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۶. پیلین، دیوید، مبانی فلسفه دین، گروه مترجمان، قم، بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی)، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. ثعالبی، ابو منصور عبد الملک، اقتباس از قرآن، ترجمه: حسین صابری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۸. جعفری تبریزی، محمد تقی، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن، تهران، موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
۹. حسینی همدانی محمد حسین، انوار درخشان، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۴.
۱۰. خویی، ابوالقاسم، مرزهای اعجاز، ترجمه: جعفر سبحانی، قم، موسسه امام صادق (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۱. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه: ابوطالب صارمی و ابوالقاسم طاهری، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
۱۲. راسل، برتراند، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: نجف دریابندری، تهران، انتشارات پرواز، ۱۳۷۳.
۱۳. رحمت کاشانی، حامد، نزاع تاریخی بر سر الگوی مصرف، تهران، انتشارات پیام عدالت، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۴. رکنی یزدی، محمد مهدی، آشنایی با علوم قرآن، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۵. سبحانی، حسن، نگرشی بر تئوری ارزش، تهران، انتشارات سپهر، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین، بدایه الحکمه، قم، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۷۹.
۱۹. فراهیدی خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۲۰. قدردان قراملکی، محمد حسن، حکومت دینی، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲۱. قدردان قراملکی، محمد حسن، کندوکاوی در سویه های پلورالیزم، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۲۲. قرضاوی، یوسف، قرآن منشور زندگی، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، تهران، نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۳. کاسیرر، ارنست، فلسفه روشنگری، ترجمه: یداله موقن، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۲۴. لطفی، علیرضا، طرحی برای زندگی، تهران، نشر بصائر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۵. محمد عبدالستار، عثمان، مدینه اسلامی، ترجمه: علی چراغی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی، قرآن شناسی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۲۷. مطهری، مرتضی، سیره نبوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، ۱۳۶۸.
۲۸. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهر (ع)، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶.
۲۹. مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۳.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، با همکاری جمعی از دانشمندان، قم، انتشارت هدف، ۱۳۷۳.
۳۱. نصری، عبدالله، نظریه شناخت در فلسفه اسلامی (تقریرات استاد دکتر مهدی حائری یزدی)، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳۲. هلزی، هال، و ویلیام لويس، تاریخ و فلسفه علم، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۳.

33. Sobel, Michael, Lifestyle and social structure: concepts, definition, and analysis, Published October 1st 1982 by Academic Press.